

نوشته اند که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در جنگی بر استر سوار بود، یاران عرض کردند در چنین روز اسب نیکوتر است، فرمود (انالا فر عن من کرّ ولا کرّ علی من فرّ) فالبلغلة تکفینی (فرار نمیکنم از کسیکه حمله کند و حمله نمیکنم بکسیکه فرار کند پس استر مرا کفایت میکند) (۱)  
مثال از سعدی:

گیرم که بر کنی دل سنگین ز مهر من مهر از دلم چگونه توانی که بر کسی  
بزبور ها بیارایند مردم خوب رو یار را توسیعین تن چنان خوبی که زبور ها بیارائی  
علاء الدوله سمنانی:

سد خانه اگر بطاعت آباد کنی به زان نبود که خاطری شاد کنی  
(کر بنده کنی با لطف آزادی را بهتر که هزار بنده آزاد کنی)  
صفائی نراقی:

دامن مکش از دستم چنانا که با امیدت یکباره کشیدستم دست از همه دامنها  
محتشم کاشانی

دلی دارم که از تنگی در او جز غم نمیکنجد غمی دارم ز دل تنگی که در عالم نمیکنجد  
(این صنعت را بعضی از علمای بدیع عکس و تبدیل نامیده و در شمار جزئیات صنایع ذکر کرده اند در حالیکه یکی از صنایع لطیفه و محسنات بدیعیه کلام محسوب میشود).

### ۱۵- مدح اشبیه بضم

این صنعت بطوریکه از عنوانش پیدا است تعریف از مخاطب است بصورت و عبارتی که از مقدمه آن تصور کنند گوینده قصد تنقید دارد و چون مطلب تمام شود معلوم گردد مدح دیگری بمدح اول اضافه نموده است، عبارت دیگر مدح شبیه بضم انتقال گوینده است از مدحی دیگر بنحویکه ابتدا در شنونده موهب انتقال بمذمت و تنقید باشد و این نوع از سخن چون بخلاف مقدمه نتیجه مطبوع می بخشد اثر و لذت آن در مخاطب بیشتر است.

۱- بانصیم بدم ذکر امثله عربی در این کتاب از ذکر جمله بالا که بضمون کلام الملوك ملوك الکلام در این مورد بهترین شاهد برای اداء مقصود بود توانستم بگنرم  
مولف

## مثال

نیست عیبی در وی الا چون باو وارد شوند میبرند از یاد یار و اقربای خویشرا (۱)  
 یعنی ممدوح از عیب مبرا است ، باضافه اینکه در مهمان دوستی نیز بدان  
 پایه از مهربانی است که واردین بر او ، آنقدر مفتون محبت او می شوند که  
 قوم و قبیله و باران خود را بکلی فراموش میکنند . در این بیت شروع مطلب  
 بمدح است ولی از جمله بعد مستمع انتظار شنیدن عیب و تنقید دارد و چون کلام  
 با آخر میرسد منتقل میشود که شاعر مدح دیگری برمدح اول افزوده است .

## مثال دیگر :

همی بفر تو نازند دوستان لیکن به بی نظیری تو دشمنان کنند اقرار

## مثال دیگر :

از تو آزار ندیده است کسی جز در هم از تو آواره نگشته است کسی جز دینار

## ۱۶- مدح

معنی مدح موجهه که آنرا استبتاع نیز گویند مدح دو رویه است یعنی  
 گوینده بعبارتی ممدوح را توصیف کند که از یک مضمون دو تعریف از او شده  
 باشد ، مثلاً در این شعر :

آن کند تیغ تو بجان عدو و علوم انسانی و ریاضی که کشد دست تو بجان کهر  
 با اینکه مصرع دوم مثالی برای مضمون مصرع اول است در عین حال مدح  
 دیگری که عبارت از ستودن ممدوح بسخاوت و بخشش است برمدح اول اضافه شده است  
 با تعریف فوق معلوم است که اگر ذمی را نیز بطریق مذکور بیان کنند می توان آنرا ذم  
 موجه نامید مانند این شعر :

ز میدان چنان تافت روی کریز که کوئی زوی خواست سائل پیشیر

۱- این بیت ترجمه این شعر عربی است

لا عیب فیهم سوی ان التزیل بهم یسلو عن الاهل و الجیران و الحشم

و چون بطوری که گذشت تصبیم خودداری از ذکر امته عربی در این کتاب گرفته نشده  
 و شعر عربی مذکور نیز مثال خوبی برای اداء مقصود بود لذا بفارسی ترجمه شد .  
 مولف